



اختلافات قرائت در قرآن حاصل قیاس در قواعد نحوی است

قرائت نباید بر اساس قیاس در قوانین نحو عربی صورت بگیرد، بلکه پایه قرائت، سماع به همان صورت تلاوت و قرائت پیامبر(ص) است.

قرائت نباید بر اساس قیاس در قوانین نحو عربی صورت بگیرد، بلکه پایه قرائت، سماع به همان صورت تلاوت و قرائت پیامبر(ص) است.

فاخره فراهانی، پژوهشگر و مدرس دانشگاه در گفتگو با در خصوص قرآن پژوهی مستشرقان گفت: استشرق با انگیزه‌های مختلفی صورت می‌گیرد که یکی از آن انگیزه‌ها که شاید مهم‌ترین آن هم باشد، انگیزه دینی است. مستشرقان با انگیزه مقایسه قرآن، تورات و انجیل یا اثبات برتری یهودیت و مسیحیت نسبت به اسلام، به قرآن پژوهی می‌پردازند.

وی ادامه داد: مستشرقان عمدتاً معتقد به شکل‌گیری قرائت مختلف در زمان حیات خود پیامبر(ص) هستند. یعنی اعتقاد دارند زمانی که پیامبر(ص) در قید حیات بودند، این قرائت‌های مختلف شکل گرفت و علت آن اذن و اجازه خود ایشان بوده و ایشان اجازه داده بودند که مردم به هر شکلی که می‌خواهند، قرآن را قرائت کنند.

رد نبوت و وحی در «گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان»

وی با بیان این‌که پیامد این سخن، تحریف قرآن است که به هیچ وجه مورد قبول مسلمانان و به خصوص شیعه نیست، افزود: ایگناس گلدزیهر در فصل اول کتاب خود تحت عنوان «گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان» به بررسی این اختلافات پرداخته و اعتقاد داشته که اختلافات قرائت، دوره نخستین تفسیر است. با این نگاه، وی اصل و مصدر الهی قرآن را قبول نداشته و معتقد بوده که پیامبر(ص) از جمع آیین‌های هندی، فارسی، یهودیت و مسیحیت و به دلیل دلسوزی نسبت به مردم جزیره‌العرب به جایی رسیده که احساس کرده مفاهیمی به قلبش القا می‌شود و به این یقین رسیده که با خدا در ارتباط است. پس با این گرایش‌های فکری، وی اصل رسالت را هم قبول نداشته است.

این مدرس دانشگاه بیان کرد: از منظر گلدزیهر، از عوامل شکل‌گیری اختلاف قرائت، زیادت در نص قرآن کریم است که ما آن را به زیادت تفسیری می‌شناسیم. زیادت تفسیری یعنی مصاحف شخصی‌ای که صحابه داشتند و پیامبر(ص) وقتی که آیات نازل می‌شده، برای آن‌ها می‌خوانده و اگر نیازی به تفسیر بود، ایشان آیات را تفسیر می‌کردند. صحابه تفاسیر را در وسط آیات می‌نوشتند و این مصاحف اگر به دست کسی می‌رسیده، ممکن بوده که تفسیر را هم جزو آیات تلقی کند.

اشکال حاصل از مصحف بی‌اعراب و بی‌نقطه عثمانی

وی خاطرنشان کرد: اختلاف دیگری که در قرائت وجود داشته، حاصل مصحف بی‌شکل و تقط عثمان است. مصحف عثمان که بدون اعراب و نقطه بوده، خود دلیل عمده شکل‌گیری اختلافات قرائت است. گلدزیهر معتقد است در قرآن آیاتی وجود دارد که مخالف تنزیه خدا و رسولش است و به همین علت، مردم مجبور شدند که قرائت متفاوتی انجام دهند.

وی تصریح کرد: اختلاف قرائت جوهری از موارد دیگری است که گلدزیهر عنوان می‌کند. این نوع از اختلافات در برخی از موارد به عنوان اختلافات قرائت در کتاب قرائت چهارده‌گانه‌ای که اهل سنت دارند هم ذکر نشده و حتی می‌توان گفت که گلدزیهر به نوعی این اختلاف را تحمیل می‌کند و بر ساخته خود وی است. اختلاف قرائتی که به دلیل اجتهاد صحابه یا شکل‌گیری فرق کلامی که می‌خواستند اعتقادات خود را موازی با قرآن جلوه دهند، از دیگر مبانی این دست تعبیر ناصحیح است.

مناشی اختلاف قرائت

فراهانی با بیان این‌که منشاء اختلاف قرائت را می‌توانیم به دو دسته تقسیم کنیم، گفت: یکی عامل خارجی که حاصل مصحف بی‌شکل و نقط عثمان بوده و دیگری عامل درونی که به دلیل تسامح و تساهل صحابی در قرائت و اجتهادی عمل کردن آن‌هاست. از این دلایل می‌توانیم به این مطلب برسیم که گلدزیهر اعتقادی به پشتوانه سماع در قرائت نداشته است.

وی خاطرنشان کرد: ما اعتقاد داریم، قرائت قرآن به پشتوانه سماع است و به وسیله شنیدن قرآن از نسلی به نسلی دیگر رسیده است و به همین دلیل قرآن را نصی پریشان می‌داند که هیچ متنی مثل آن دچار عدم ثبات نیست. بیشتر این اختلافات از نظر وی مربوط به ابی ابن کعب و ابن مسعود است. او مردم را نسبت به کیفیت قرائت آزاد می‌دانست تا جایی که معتقد به آزادی فردی در این مسئله بوده‌است. یعنی برای مردم فرقی نمی‌کرد که قرائتشان موافق با عموم باشد یا نه و همان‌طور که گفته شد، علت این آزادی هم اجازه پیامبر بوده‌است. گلدزیهر معتقد است تمامی این قرائت می‌تواند صحیح باشد. در واقع هدف او از پرداختن به اختلافات قرائت پیش‌زمینه فکری او درباره تعدد اناجیل است.

وی بیان کرد: وی معتقد است چون پیامبر(ص) قرآن را از اناجیل و تورات اقتباس کرده، پس می‌توان اعتقاد داشت که همان‌گونه که تعدد اناجیل داریم، می‌توانیم تعدد قرآن داشته باشیم. او همچنین معتقد است که حدیث سبعة أحرف شبیه به رأی فرو فرستاده شدن تورات به اشکال مختلف است.

نقد شبهات

این مدرس دانشگاه اظهار کرد: با توجه به آنچه گفته شد، از نظر گلدزیهر مباحثی مثل اضافات تفسیری، مکاتب کلامی و

سیاسی، تأثیر قوانین نحو عربی در اختلاف قرائات، تأثیر رسم الخط ناقص عرب، تسامح، تساهل و عدم اعتنای پیامبر(ص) در حفظ صیانت قرآن، از عمده‌ترین دلایل اختلاف در قرائات است و به همین دلیل او معتقد است که هر جریان فکری‌ای در اسلام می‌تواند عقاید خود را در قرآن پیدا کند.

وی با بیان این‌که یکی از دلایل گلدزیهر همان بحث رسم الخط ناقص عرب و مصاحف بدون نقطه و اعراب عثمانی است، گفت: با توجه به صحت بی نقطه و بی اعراب بودن مصحف عثمانی باید به این نکته توجه کرد که عثمان همراه با صف تنظیمی، قاریانی را به شهرها می‌فرستاد که باعث می‌شدند بسیاری از این اختلاف قرائات مرتفع شود.

وی بیان کرد: در بحث قوانین نحو عربی، باید گفت که اساس شکل‌گیری اصول نحو، قرآن بود. حتی علمای اهل سنت و تشیع بر این مسئله اتفاق دارند که هیچ‌یک از قرائات نباید بر اساس قیاس در قوانین نحو عربی صورت بگیرد، بلکه قرائت سماع است و پایه آن شنیدن است به همان صورتی که پیامبر(ص) قرائت کرده‌است.

فراوانی با تأکید بر این‌که اختلاف اضافات تفسیری به دلیل وجود مصاحف شخصی متعدد است، تصریح کرد: این مطلب یعنی مصحف ابن مسعود برای وی بود و مصحفی نبود که در دست همه قرار بگیرد. هرچند که ما قبول داریم این اضافات تفسیری وجود داشتند و حتی همین‌ها باعث بوجود آمدن پاره‌ای از اختلافات شد، ولی اساس اختلافات به این دلیل نبود. عثمان وقتی به توحید مصاحف پرداخت، همه این تفاسیر شخصی و اضافات تفسیری را در آتش سوزاند.

وی اظهار کرد: نکته دیگر این‌که هدف نهایی برخی از مستشرقان، دور کردن مسلمانان از دین و همچنین جلوگیری از اقبال غربیان به قرآن بود. بنابراین نمی‌توان انتظار نتایج صادق از آن عده داشت. همان‌طور که گفته شد، گلدزیهر اعتقادی به رسالت پیامبر(ص) نداشت و می‌گفت متن قرآن وحیانی نیست. در نتیجه یکی از آسیب‌های منهج مطالعاتی وی، منهج تحمیلی اوست که با اعتقاد پیشینی وارد مطالعه قرآن می‌شود. او اعتقاد دارد که توحید ناقص است و تثلیث مسیحیت بدون نقص است یا حتی برای مقایسه اسلام با عهدین به مطالعه قرآن می‌پردازد. به این ترتیب وی با باورهای شخصی به مطالعه اسلام پرداخته‌است.

وی در پایان گفت: منهج دیگری که در مطالعات قرآنی مستشرقان وجود دارد، منهج نفی است. یعنی روایات صحیح یک موضوع را رها می‌کنند و به روایات شاذ و ضعیف می‌پردازند. نتیجتاً بحث منابع از دیگر آسیب‌های مستشرقان است. در بحث منابع، بحث استناد به منابع نادرست یا استناد نادرست به منابع مطرح است. یعنی تنها به کتب اهل تسنن می‌پردازند و به منابع شیعی کاری ندارند. استناد نادرست به منابع ناظر به استخراج مطالب گزینشی و خودخواسته از منابع مورد مطالعه است.